

مذکر و مؤنث تعلق داشته باشد به دیگری نیز نسبت داده می‌شود. عبارتی چون «زنان و مردان پارسا» و «مردان و زنان نیکوکار» که در متون اوستایی همواره به کار رفته و تکمیل‌کنندگی نقش‌های یکدیگر را در جامعه نشان می‌دهد.

در *گاهان* که سروده‌های خود زرتشت است، زن از دو دیدگاه اهمیت دارد: یکی به عنوان گرونده زرتشتی، و دیگری به عنوان یکی از دو جنس بشر که نقش و جایگاه مشابهی در زندگی اجتماعی دارد. در مورد نخست، وجدان زن مورد خطاب است و زنان در واقع نیمی از گروندگان به دین را تشکیل می‌دهند و پیامبر از آنها می‌خواهد که آزادانه و با اختیار دین خویش را برگزینند و بر اساس رأی و شناخت، آنچه را برترین است، برگزینند. و دومین دیدگاه، بیان می‌کند که زن باید نقش خاص خود را به عنوان دختر، همسر و مادر در خانواده ایفا کند. زن در این نظرگاه، نقش طبیعی و زیستی زایمان را بر عهده دارد که موجب تداوم نسل بشر می‌شود. در اوستای متأخر بر نقش زن تأکید بیشتری می‌شود؛ یعنی برای او جایگاه والایی در نظر می‌گیرند و همواره از او به نیکی یاد می‌شود (مزدایور، ۱۳۶۹: ۴۸-۵۳).

در *گاهان*، زندگی بهتر در جهان دیگر به طور یکسان به زن و مرد نوید داده شده است و رستگاری را برای هر دو جنس به طور همانند در نظر گرفته‌اند. در اوستای متأخر نیز تحت تأثیر *گاهان*، پیوسته روح جاوید یا «فروهر نیک زن و مرد پارسا» در کنار هم ستایش می‌شود.

در ایزدشناسی دین زرتشتی آمده است که برخی ایزدان و فرشتگان از جنس نر هستند و برخی دیگر از جنس ماده‌اند. این مسئله بیان می‌کند که نه تنها مرد ارجمند است، بلکه زن نیز مورد احترام واقع شده است. «آناهیتا» ایزدانوی بزرگ باروری، از اهوره‌های مورد احترام در دین زرتشتی و حتی پیش از آن است و فزاینده جان‌ها و کشورها خوانده شده و نگهبان آب‌هاست که با توجه به موقعیت جغرافیایی ایران، که همواره دچار خشکسالی بوده، سپردن الاهی آب به یک ایزدانو از اهمیت زنان حکایت دارد.

در *آبان* یشت در باب ایزدانو آناهیتا آمده است: «آنگاه اردویسور آناهیتا، به پیکر دختر زیبای بسیار برومند خوش‌اندام کمر بند در میان بسته راست‌بالای آزاده‌نژاده و شریف از قوزک پا به پایین کفش‌های درخشان پوشیده با بندهای زرین (آنها را) محکم بسته روان شد» (*آبان* یشت، بند ۶۴).

از میان شش امشاسپند که واسط بین اهوره مزدا و بندگان او هستند، سه تن (بهمن، اردیبهشت، شهریور) نرینه یا مذکر و سه تن دیگر آن (سپندارمد، خرداد، مرداد) مادینه یا مؤنثاند که البته هر یک از این امشاسپندان کارکردهای مختلفی دارند و جلوه‌هایی از اهوره مزدا را به نمایش می‌گذارند (Gray, 1928: 35-60).

ایزدبانوی دیگر، که نقش بسیار شریف و مهمی در دین زرتشتی ایفا می‌کند، ایزد دینا یا وجدان است که پس از مرگ در پل چینود (chinvad) به استقبال روان آمده، که اگر نیک باشد به شکل یک فرشته زیبارو و اگر بد باشد، یک عجوزه بدشکل نمایان می‌شود (Shaki, 1987: 279-281).

از لحاظ جایگاه حقوقی نیز زنان در دین زرتشتی حقوق فراوانی داشتند و جایگاه والایی برای آنها در نظر می‌گرفتند. آنها می‌توانستند صاحب مال و مکت خود باشند. در کتاب *ماتیکان هزار دادستان* آمده است: «فرمان‌روایی در خانواده مشترکاً میان مرد یا کدخدای خانه و زن یا کدبانوی خانه تقسیم شده بود. کدبانو نسبت به اداره امور داخلی خانه، دارای تسلط و آزادی کامل بوده و مرد نمی‌توانسته در آن دخالت کند». همچنین در آنجا آمده است که زن می‌توانسته به وکالت دادگستری پردازد و حتی گاهی بر مسند قضاوت بنشیند (Perikhanian, 1977: 68).

در کتاب *نیرنگستان* نیز آمده که زنان در سرودن *یسنا* و برگزاری مراسم دینی با مردان مشارکت داشتند یا خود به این کار می‌پرداختند. حتی در دوران سال‌خوردگی، هنگامی که عادت ماهیانه از آنها برطرف می‌شد، می‌توانستند به کار نگهبانی آتش مقدس پردازند (Kotwal and Kreyenbroek, 1992: 123-124).

در دین زرتشتی در ماه اسفند و به ویژه روز اسفند از آن ماه را که «اسفندگان» نامیده می‌شد، به عنوان روز زن، جشن می‌گرفتند. ابوریحان بیرونی در کتاب *آثار الباقیه* می‌نویسد:

اسفندارمد، فرشته موکل بر زمین است و نیز بر زن‌های درست‌کار عقیف و شوهردوست و خیرخواه در زمان گذشته این ماه، به ویژه این روز، عید زنان بوده است و در این عید مردان به زنان بخشش می‌نمودند و هنوز این رسم در اصفهان و دیگر شهرها باقی مانده است (بیرونی، ۱۳۸۵: ۳۵۵).

وظایف زن در دین زرتشتی منحصر به فعالیت‌های اقتصادی در خانواده نمی‌شد، بلکه برای پیش‌برد معنوی و اخلاق تمام جامعه نقش مهمی ایفا می‌کرد. او معلم اخلاق بود و در اوستا همواره یک جزء مهم از اجتماع شناخته می‌شد و در همه حقوق اجتماع، حتی آیین‌های دینی با مردم برابر دانسته می‌شد. در دعاهای زرتشتی هر جا از فروهر مردگان یاد شده، فروهر زنان نیک را ستاییده‌اند. در ایران باستان زن جایگاهی بسیار ارجمند داشت و در بسیاری از مراحل زندگی با مرد همکاری می‌کرد.

کرستینسن درباره اهمیت زنان در ایران باستان می‌نویسد:

دوشیزگان ایران باستان تنها با وظایف خانوادگی آشنا نمی‌شدند، بلکه اصول اخلاقی و قوانین مذهبی اوستا را نیز فرا می‌گرفتند. آنها چه در اجتماع و چه در زندگی خصوصی از آزادی عمل برخوردار بودند. این آزادی عمل به اندازه‌ای بود که اگر دوشیزه‌ای می‌خواست حتی برخلاف میل والدین خود با پسری زناشویی کند، پدر و مادر او نمی‌توانستند از این کار جلوگیری کنند و موبدان بدون رضایت والدین دختر نیز به تقاضای آنها بر طبق قانون ترتیب اثر می‌دادند (آذرگشسب، ۱۳۷۵: ۱۶۹).

در درون خانواده نیز زن از ارجمندی و قدرت برخوردار بود، که به نقش او به عنوان مادر خانواده باز می‌گردد. در دین زرتشتی این اعتقاد وجود داشته که «فره خانه» با زن خانواده پیوند دارد و هر گاه جسد او را از خانه بیرون برند، «فره خانه» با وی بیرون خواهد رفت. فرزندان باید هم از پدر و هم از مادر فرمان‌برداری می‌کردند. همسر توانا می‌توانست در اموال شوهر شریک شود. زن حق مالکیت داشت و می‌توانست درآمد ویژه داشته باشد و دست‌مزد خود را برای خود نگه دارد. حتی زمانی که زن و شوهر با هم وام می‌گرفتند، آنها به صورت شریک، ضامن یکدیگر بودند و اگر در مواردی شوهر وام‌گیرنده فوت می‌کرد وام را از زن بازپس می‌گرفتند.

با این تفاسیر نمی‌توان از اعتبار جنسیت مردانه در کتب پهلوی کاست و اقتدار آنها را محل تردید قرار داد. مرد در دین زرتشتی از حقوق و مزایای بالایی برخوردار بود و مسئول تأمین معاش جامعه بود. اما زن در جامعه زرتشتی اگر کوشا، هوشیار و فعال بود، می‌توانست با تمسک به حق تملک و دارایی خود، جایگاه والایی به دست آورد و جایگاهی هم‌سنگ و هم‌تراز مردان کسب کند (مزدپور، ۱۳۶۹: ۷۳-۷۴).

## ۲. احکام ازدواج

امر ازدواج در همه فرهنگ‌ها اهمیت فراوانی دارد. در هیچ یک از فرهنگ‌ها و ادیان، مرد و زن بدون وجود یکدیگر خود را کامل نمی‌دانند و در بسیاری از ادیان ازدواج امری مقدس شمرده می‌شود که از طرف خداوند است. ایرانیان باستان نیز ازدواج را دستوری دینی قلمداد می‌کردند و آن را بسیار واجب و پسندیده می‌دانستند و سر باز زدن از آن و به حالت تجرد زیستن را ناپسند و در خور نکوهش به حساب می‌آوردند (Gray, 1962: 745).

بنا بر دین زرتشتی، شایسته است فردی که به حد بلوغ رسیده، برای خود همسری برگزیند. در کتاب *وندیاد* آمده است که «ای سپیتمان زرتشت هر آینه من، مرد زنده را بر کسی که عزب گفته می‌شود، ترجیح می‌دهم. و مرد خانه‌دار را بر بی‌خانه ترجیح می‌دهم و مرد فرزندان‌دار را بر بی‌فرزند و مال‌دار را بر فقیر ترجیح می‌دهم» (ترجمه *وندیاد*، ۱۹۴۸: فرگرد چهارم، بند ۴۷).

همچنین در جای دیگری در اهمیت امر ازدواج در ایران باستان آمده است که: [زرتشت] سخنانی به دخترانی که به شوهر داده می‌شوند و به شما دامادها، اینها را به یاد بسپارند: به دست آورید با دین‌ها [یتان] به کوشش زندگی را، که از اندیشه نیک است. از لحاظ راستی، یکی از شما بر دیگری پیروز شود. چون این برای او سودبخش خواهد بود (یسن ۵۳، ۱۳۸۲: ۴۶).

امر ازدواج در ایران باستان آنقدر تقدس داشته که افراد دیگر وظیفه داشتند امکانات ازدواج دیگران را فراهم کنند. در *وندیاد* آمده است:

اگر مرد هم‌دین یا برادر یا دوست (نزد کسی) برای خواهش مال یا زن یا خود (یعنی تحصیل علم) بیاید، اگر خواهش مال کند به او باید داد و اگر خواهش زن کند به نکاح او باید داد و اگر خواهش خرد (یعنی علم) کند به او کلام مقدس (یعنی علم دین زرتشتی) باید آموخت (*ترجمه وندیاد*، ۱۹۴۸: فرگرد چهارم، بند ۴۴).

اهداف ایرانیان باستان از ازدواج فقط تولیدمثل نبوده است. آنها برای پیروزی نهایی

خیر بر شر تن به امر ازدواج می‌دادند. زیرا طبق آموزه‌های زرتشت، انسان برای مبارزه با شر و تقویت و پشتیبانی از نیروهای خیر پا به عرصه گیتی گذاشته است. پس، بر این اساس، عامل اصلی خلقت این جهان شکست نیروهای شر و تجدید حیات روحانی و خیریت جهان است. این تجدید حیات به تدریج و از فرآیند تجدید نسل‌ها حاصل می‌شود. به همین سبب بود که ازدواج در نظر زرتشتیان امری بسیار مقدس است. آنان همچنین معتقد بودند به کارگیری آموزه‌های زرتشت به حکومت خداوند و نیروهای خیر بر روی زمین دوام می‌بخشد و پیروزی آسان نیروهای خیر را بر شر مهیا می‌کند. بدین سبب اتحاد زن و مرد در قالب ازدواج برای گسترش نسل بشر، از مهم‌ترین اهداف دینی زرتشتی است (Cawasji Katrak, 1965: 6).

طبق کتب زرتشتیان، دختری که از روی عمد ازدواج نمی‌کند، یا کسی او را از این کار باز می‌دارد، گناهش تاوان مرگ ارزان است و در جهان دیگر وارد دوزخ می‌شود. برای نمونه، در کتاب فارسی زرتشتی روایات داراب هرمزدیار آمده است:

دیگر اگر دختری بود که او را کسی بزنی خواهد داد، شوی نکند. به هر بار که دشتان شود، یک تنافور گناه بود و به پانزده تنافور مرگ ارزان شود و گر پدر ندهد، آن گناه پدر را بود. و گر مادر به شوی ندهد، آن گناه مادر را بود به پانزده دشتان مرگ ارزان شود (اونوالا، ۱۹۲۲: ۱۷۷).

نظر دختر در امر ازدواج در دین زرتشتی اهمیت زیادی داشت، و اگر دختر مایل به ازدواج با فردی نبود، پدر حق نداشت برخلاف میل دخترش او را شوهر دهد. در کتاب *ماتیکان هزار دادستان* آمده است: دختر پس از پانزده سالگی می‌تواند به انتخاب شوهر بپردازد. پدر یا بزرگ‌تر مکلف به انتخاب شویی مناسب برای دختر خویش اند. اما دختر ناچار به پذیرفتن کسی که برای همسری به وی پیشنهاد شده نیست. پدر نمی‌تواند وی را به امر ازدواج مجبور سازد یا از ارث محروم کند، یا جزای دیگری برایش در نظر گیرد. حتی نباید پولی را که به دخترش به عنوان مخارج روزانه می‌پرداخته است، از وی قطع کند. پدر باید به تهیه جهیزه بپردازد و هر گاه دختری شوی مناسب خود را انتخاب کرد پدر باید وظیفه خویش را درباره ازدواج انجام دهد (*ماتیکان هزار دادستان*، ۱۳۸۶: ۱۱۷).

همچنین در دین زرتشتی دختر حق داشته است با فردی که مورد تأیید پدرش نیست ازدواج کند. یعنی ممکن بود پدر خانواده، فردی را برای همسری دخترش در نظر می‌گرفت، ولی دختر او را نمی‌پسندید. در این صورت پدر نمی‌توانست دختر را مجبور به ازدواج تحمیلی کند. چنین زنی را «خودسرای زن» گویند (یعنی زن به صورت خودش بدون توجه به پدر و مادر به ازدواج فردی دیگر درآمده است)، گفتنی است دختری را که «خودسرای زن» گویند نمی‌توانست به مرتبه پادشاه‌زنی - که بهترین نوع ازدواج است - برسد (اونوالا، ۱۹۲۲: ۱۸۱).

درباره چگونگی آداب و رسوم ازدواج طبق قانون زرتشتیان آمده است که: ماده ۱۵: اجرای مراسم ازدواج مطابق مقررات دینی زرتشتیان ایران به وسیله موبد و با حضور لااقل هفت نفر از موبدان معتمد زرتشتی، که کمتر از ۲۵ سال نداشته باشند، انجام می‌شود و با شنیدن اقرار رضایت از طرفین، عقد ازدواج کامل می‌گردد. البته در صورت نبودن چنین تعدادی از افراد شهادت دو شاهد ضروری است. این شهود معمولاً از بستگان یا دوستان نزدیک عروس و دامادند. البته شهود باید خود متأهل باشند.

ماده ۱۶: برای هر مرد زرتشتی بیش از یک زن، و برای هر زن زرتشتی بیش از یک شوهر روا نیست، مگر هنگامی که جفت او را مرگ یا علتی دیگر از علل طلاق، جدا سازد (آیین‌نامه احوال شخصیه زرتشتیان ایران، ۱۳۸۶: ۲۰).

## ۲. ۱. شرایط عقد نکاح

برای اینکه ازدواج در دین زرتشتی وجهه کاملاً قانونی داشته باشد، لازم است اجازه پدر و مادر وجود داشته باشد و در صورت نبودن آنها اجازه جد و جده او لازم است. همچنین از شرایط دیگر ازدواج این است که طرفین، زرتشتی و بالغ باشند. آداب ازدواج در دین زرتشتی از سه سخن مجزای خواستگاری، نامزدی و پیمان زناشویی (گواه‌گیران) تشکیل شده است و بدون وجود یکی از سه مرحله، عقد ازدواج کامل نیست.

در دین زرتشتی بنا بر ماده ۶، سن ازدواج را برای دختر چهارده و برای پسر شانزده در نظر می‌گیرند و بر اساس ماده ۱۴ می‌گویند که پیش از آنکه دختر به سن

شانزده سالگی، و پسر به سن هجده سالگی برسد، اجرای مراسم ازدواج جایز نیست. به هر روی، از گزارش‌ها این‌طور به دست می‌آید که پیش از تصویب قانون ازدواج، دختران پیش از شانزده سالگی و پسران پیش از هجده سالگی ازدواج می‌کردند (همان: ۱۵).

طبق آداب و رسوم، وظیفه دشوار خواستگاری به عهده پدر یا قیم پسر است. واضح است که رضایت دختر و پسر شرط اساسی توافق و نامزدی است. ولی با این همه، پس از آنکه پدر و مادر هر دو طرف توافق کردند، پیمان نامزدی و برگزاری مراسم نامزدی انجام می‌شود. مراسم در صورت تمایل و رضایت والدین به ترتیب زیر انجام می‌شود:

۱. در روزی که از سوی خانواده‌های پسر و دختر برای خواستگاری معین شده است، مادر، خواهر و یکی از بستگان نزدیک پسر برای گرفتن رضایت دختر به خانه آنها می‌روند و غالباً نامه‌ای که برای خواستگاری خطاب به پدر دختر نوشته شده و به امضای داماد آینده رسیده است با خود می‌برند. این نامه را بیشتر برای شگون روی کاغذ سبز می‌نویسند و یک دستمال سبز، یا کله‌قند و سنجد و آویشن نیز به همراه دارد (آذرگشسب، ۱۳۷۵: ۱۸۵).

۲. چند روز بعد، خانواده دختر جواب نامه خواستگاری را می‌نویسند و با تشریفات همانند، خواهر، مادر و خویشاوندان عروس آینده آن را به منزل داماد می‌برند (همان).

۳. مراسم گواه‌گیران در دین زرتشتی بدین صورت است که در این مجلس، بزرگان و موبدان حاضر می‌شوند. موبد پس از شنیدن ابراز رضایت عروس و داماد، به آنها اندرزه‌های سودمند اخلاقی و دینی داده، برایشان دعا می‌کند (رضایی، ۱۳۷۴: ۱۴۰-۱۴۱).

موبد دعا را با چنین سخنی آغاز می‌کند که: «به نام خدا از شما ... دخت ... می‌پرسم که آیا از زناشویی با ... راضی هستی؟». سپس چند مرتبه در میان شادی این دعا را تکرار می‌کند و مرتبه سوم یا هفتم عروس بله می‌گوید، سپس موبد می‌پرسد: «چه شخصی را نماینده یا وکیل خود قرار می‌دهی؟» و عروس، پدر یا برادر خود را معرفی می‌کند. سپس عده‌ای از مهمانان به خانه داماد می‌آیند و وسایلی نیز به همراه دارند از جمله یک خوانچه لُرک، یک سینی نقل، یک دانه انار شیرین، یک قیچی و ...

آیین مذهبی گواه‌گیران در دین زرتشتی اکنون آغاز می‌شود. داماد در صدر مجلس رو به روی او نشسته است، خوانچه لُرک وسط آنها گذاشته و یک کله‌قند روی آن قرار دارد. موبد که در کنار داماد قرار گرفت، پس از تحقیق و اطمینان یافتن از اینکه برای عروس و داماد در جای دیگر قرار ازدواج گذاشته نشده است، پس از نو کردن کُشتی اطرافیان، موبد اندرز گواه‌گیران را، که به منزله عقد زناشویی زرتشتیان است، آغاز می‌کند و چنین می‌سراید که:

هر دو را شادمانی افزون باد، همیشه با خرد و جلال باشید، به خوبی و خوشی زندگی کنید، در ترقی و افزایش و به کردار نیک سزاوار باشید، نیک‌پندار باشید، در کردار نیکی به جای آورید، از هر گونه بداندیشی دور بمانید، از هر گونه بدگویی بکاهید، هر گونه بدکاری را بسوزانید، راستی پایدار باد، جادوی سرنگون باد، در مزدینا استوار باشید، محبت داشته باشید، با کردار نیک حال نیک تحصیل کنید. با بزرگان یک‌دل و یک‌زبان و با یاران فروتن و نرم‌خو و خوش‌بین باشید، غیبت مکنید، غضبناک نشوید، از برای شرم گناه مکنید، حرص مبرید، از برای چیزی بی‌جا دردمند نشوید، حسد نبرید، کبر مکنید، هوی و هوس نپروید، مال کسان را به ناحق مبرید، از زن و شوهر کسان پرهیزید، از کوشش نیک خود برخوردار باشید، با حرص انباز مشوید، با غیبت‌کننده همراه نباشید، با بدنام پیوند مکنید، با بیچارگان پیوند نکنید، پیش پادشاهان سخن سنجیده گوید، مانند پدر نامور باشید، در هر صورت مادر را نیازارید و به واسطه راست گفتن کامیاب و کامروا باشید.

و پس از پایان آن ایستاده به نام عروس و داماد دعای تندرستی می‌خوانند و در حال سرودن دعای تندرستی، شیرینی و نقل در بین حاضرین تقسیم می‌شود (همان).  
مرد نیز از لحاظ معنوی و مادی سرپرست خانواده به حساب می‌آید و از لحاظ مادی وظیفه تأمین امکانات و مایحتاج زندگی، اعم از خوراک، پوشاک و مسکن و از لحاظ معنوی محبت به فرزندان، همسر و راهنمایی ایشان و مواظبت آنها از خطرها را بر عهده دارد.

شاید بیان این نکته خالی از لطف نباشد که در بین خانواده‌های امروزی، چنین رسم

است که دختر مسئول تهیه جهیزه و آوردن آن به خانه شوهر است. اما در دین زرتشتی آن‌طور که به دست می‌آید، این وظیفه بر عهده داماد یا پدر داماد بوده که به عروس جهیزیه و حتی پول کافی برای تهیه آن بدهد. به بیان دیگر، خود عروس بهترین، گران‌بهاترین و ارزشمندترین هدیه به داماد بوده که عطا شده و این بیانگر اهمیت زن در بین زرتشتیان است (Cawasgi Katrak, 1965: 11).

### ۳. ازدواج‌های حرام

رابطه خویشاوندی یکی از اصلی‌ترین موانع ازدواج بین ادیان مختلف بوده است. بر اساس قانون موجود در کشور، ازدواج با محارم نسبی، محارم رضاعی و محارم سببی ممنوع است. در دین زرتشتی نیز، علاوه بر محارم رضاعی، برخلاف فقه اسلامی، نوعی دیگر از ممنوعیت ازدواج وجود دارد و آن حرمت ناشی از فرزندخواندگی است. طبق آیین‌نامه احوال شخصیه زرتشتیان ایران، محارم را نسبت به زن و مرد در دو گروه جداگانه بررسی می‌کنند:

#### ۳.۱. ازدواج‌های حرام برای مرد

الف. مادر، زن پدر، عمه، خواهر، دختر برادر، دختر خواهر، دختر دختر پسر، زن پسر، مادر پدر، مادر دختر، زن پسر دختر، مادر شوهر دختر، مادر زن و خواهر پدر زن، خواهر مادر زن، زن عمو و زن دایی، زن پسر دایی، زن پسر خواهر و دختر پسر زن نسل بعد از نسل.

ب. مادرخوانده، خواهرخوانده مادر، خواهرخوانده، دخترخوانده خواهر یا برادر، دخترخوانده پسر یا دختر و دختر زن پسر.

ج. دختر یا زنی که پدر و مادر و خواهر و برادر و اولاد و اولادزاده‌های او و اولاد پدری او همیشه بوده‌اند و همچنین با مادران یا دختران هر یک از طبقات (دامغانی، ۱۳۷۷: ۳۱۱-۳۱۷).

#### ۳.۲. ازدواج‌های حرام برای زن

الف. پدر و جد هر قدر بالا رود، شوهر مادر، عمو، دایی، برادر، پدر برادر، پسر خواهر،

پسر دختر، شوهر دختر، شوهر دختر پسر، پسر شوهر دختر، پدر زن، پسر پدر شوهر، پدر بزرگ شوهر هر قدر بالا رود، عموی شوهر دختر، دایی دختر، جد و اجداد مادری، نوه‌های برادر و خواهر، دختر و پسر نسل بعد از نسل.

ب. پدرخوانده، برادرخوانده، برادرخواندهٔ عمو و خاله، پسرخواندهٔ برادر، پسرخواندهٔ خواهر، پسرخواندهٔ دختر، شوهر دخترخوانده، پسر برادرخواندهٔ مادر، برادرخواندهٔ عمو یا خاله، یا خواهرخوانده و پسرخوانده.

ج. کسانی که با زن یا پدر و مادر و خواهر و اولاد و اولادزاده‌های او و اولاد پدری او همیشه بوده‌اند و پسران او و پسران هر یک از طبقات (همان: ۳۱۰).

از این نوع تقسیم‌بندی می‌توان گفت که خویشاوندی در دین زرتشتی به چهار شاخه تقسیم می‌شود: سببی، نسبی، رضاعی و قراردادی. شاید از این گفته‌ها این‌طور برداشت کرد که محارم و اقربا از دیدگاه زرتشتیان بسیار شبیه مسلمانان است و این بیانگر هزار و چهارصد سال زندگی مشترک مسلمانان با زرتشتیان در سرزمین ایران است؛ هرچند نمی‌توان فراموش کرد که سنتی بین زرتشتیان رواج داشته به نام ازدواج با محارم که بر اساس کتب مقدس زرتشتیان در پیش از ورود اسلام به ایران مرسوم بوده و کار بسیار پسندیده‌ای به حساب می‌آمده، اما بعد از ورود اسلام این سنت مذموم شده و دیگر انجام نمی‌گرفته است. البته شاید بتوان گفت این سنت بیشتر در بین شاهان و طبقهٔ ثروتمندان رواج داشته تا مردم عادی (شاپور شهبازی، ۱۳۸۱: ۲۳۸-۲۴۰).

از دیگر گناهایی که در روابط زناشویی در دین زرتشتی وجود دارد و تاوان آن «مرگزان» است، این است که مرد بلافاصله پس از زایمان همسرش، با وی هم‌بستر شود. همچنین اگر مردی در طول دوران بارداری همسرش با وی هم‌بستر شود و در نتیجهٔ این کار، زن آسیب ببیند یا فرزند او بمیرد، مرتکب گناه مرگزان شده است (Darmestetter, 1998: 172-174).

البته این احکام و دستورها در کتب مذهبی دین زرتشتی بیان شده و این سخت‌گیری‌ها به طور قطع اجرا نمی‌شده است. اما اگر به طور راست‌کیشی به دین زرتشتی نگاه کنیم یک زرتشتی متعصب باید حتماً چنین اعمالی را انجام می‌داده است که البته چنین احکامی را امروز دیگر زرتشتیان انجام نمی‌دهند و این فقط به قبل از ورود اسلام به ایران و قرون نخستین اسلامی باز می‌گردد.

### ۳.۳. حقوق زن و شوهر نسبت به یکدیگر

در دین زرتشتی نیز مانند دیگر ادیان زن و شوهر نسبت به یکدیگر حق و حقوقی دارند که باید آن را اجرا کنند. زن در دین زرتشتی باید نسبت به شوهر خود، فرمان‌بردار و مطیع باشد (Gray, 1962: 745). وظیفه او در خانه شوهر زاییدن، پروراندن فرزندان و تلاش و کوشش برای تأمین معاش زندگی است. همچنین او مسئول برگزاری آیین‌ها برای گذشتگان و ستایش ایزدان است (مزدایور، ۱۳۶۹: ۵۸).

### ۴. موانع ازدواج در دین زرتشتی

در دین زرتشتی آمده است که اگر زنی، شوهر یا نامزد دیگر داشته، یا مردی زن یا نامزد دیگر داشته باشد و حقیقت را پنهان کرده باشند، ازدواج بعدی آنها باطل است. همچنین ازدواج فرد زرتشتی با غیرزرتشتی جایز نیست و بر طبق ماده ۳۲ آیین شخصیه زرتشتیان به طور غیرمستقیم بیان کرده است که هر گاه زن یا شوهر زرتشتی ترک دین کند، فرد می‌تواند طلاق را جاری کند.

### ۵. احکام زناشویی

یکی از مسائلی که در دین زرتشتی درباره زنان وجود دارد بحث دشتان یا عادت ماهیانه آنهاست که در کتب مذهبی زرتشتی، زن در این دوره آلوده محسوب شده و باید او را از هر گونه گل و بوته پاک کنند و در جایی که او باید سکونت کند، خاک خشک بپاشند و برای او جایگاه مخصوصی به نام دشتانستان بر پا دارند. در کتاب *وندیداد* در این باره بیان شده است که:

ای مقدس دادار گیتی جسمانی چون در خانه مزداپرستان زنی نشان حیض ببیند یا حیض شود یا خون حیض از او جاری شود مزداپرستان چه بکنند؟ پس اهوره‌مزدا گفت او را مزداپرستان از راهی (به جای ماندن حیض) ببرند که در آن هیزم درختی و گیاهی نباشد. روی جای ماندن او خاک خشک بریزند، مقامش را جایی بسازند که از خانه نصف مساحت خانه یا ثلث آن یا ربع آن یا خمس آن دور باشد. اگر او را دور نبرند زن آتش خانه را می‌بیند و شعله آتش را می‌بیند و گناهکار خواهد بود (ترجمه *وندیداد*، ۱۹۴۸: فرگرد شانزدهم، بند ۱-۲).

زن دشتان باید همواره پانزده گام دور از آتش، پانزده گام دور از آب، پانزده گام دور از برسم و ویژه آیین و سه گام دور از مرد پارسا باشد. گفتند برای زن دشتان، باید به اندازه دو دینار نان و به یک دینار شیر برند، تا مبدا قوت گیرد. اگر زنی پس از روز چهارم دوره قاعدگی خون ببیند، باید تا روز پنجم صبر کند و اگر دوباره چنین شود، باید تا روز ششم، و اگر همچنان ادامه یابد، تا روز هفتم، و در صورتی که ادامه یابد، تا روز هشتم صبر کند. اگر این امر تا روز نهم ادامه یافت، این کار اهریمنان است و باید درباره او چاره اندیشید. گفتند که او باید سه حفره بکند و در کنار دو حفره زن را با گومیز و کنار سومی او را با آب بشویند. اگر پس از آن باز دشتان شود، باید چهار روز انتظار کشد و در روز پنجم سر و تن را بشوید (مزدایور، ۱۳۶۹: ۶۰-۶۴).

زن باید پس از غسل کردن در روز نهم، به فراخور فصل - اگر تابستان باشد دویست مور دانه کش، و اگر زمستان باشد دویست خرفستر از گونه ای دیگر که اهریمن آنها را آفریده است - بکشد. در دین زرتشتی اگر مردی با زن دشتان، همبستر شود مجازات او در بار اول، دوم و سوم، هر یک سی تازیانه، و در بار چهارم، نود تازیانه است.

اگر مردی آگاهانه با زن دشتانی همبستر شود، مجازات او، آن است که هزار سر ستور بکشد و شکمبه او را همراه با زور به آتش، و استخوان هایشان را به ایزدبانوی آبها پیش کش کند و هزار دسته گیاه خوش بو به آتش برد و نیز هزار دسته برسم را برای آیین زرتشتی آماده سازد. او باید هزار عدد از قورباغه گانی که در خشکی و دو هزار از قورباغه گانی که در آب زندگی می کنند، و همچنین هزار مور دانه کش و دو هزار گونه دیگر را بکشد. وی همچنین باید سی پل برای آبراهه مهیا کند و هزار تازیانه را تحمل کند. او اگر توانست چنین توانی بدهد به جهان نیکوکاران وارد می شود و اگر نتوانست به مگاک دوزخ انداخته می شود و در تاریکی به سر می برد (Dhalla, 1962: 295/7).

## ۶. طلاق

از آنجا که دین زرتشتی امر ازدواج را بسیار سفارش کرده است، طلاق را

در عوض بسیار مذموم و نکوهیده قلمداد کرده است. این امر آن قدر زشت است که حتی اگر زن و مرد برای جدایی دلایل مهم و موجهی نداشته باشند، حتی اگر طرفین موافق چنین کاری باشند، نمی‌توانند از یکدیگر جدا شوند (Gray, 1962: 22).

طلاق در دین زرتشتی تنها برای پنج مورد قانونی و موجه است:

الف. در صورتی که زن به کار جادوگری و تعلیم آن به دیگران بپردازد؛

ب. در صورت نزاع همیشگی بین زن و مرد؛

ج. چنانچه زنی دوران ماهانگی خود را پنهان کند و شوهر پس از هم‌بستر شدن با وی از این امر آگاه گردد؛

د. در صورتی که زن بستر شوهر خویش را ببرد و بدعهدی کند و کار ناپسند خودفروشی از او سرزند؛

ه. چنانچه زنی نازا باشد؛ چون فرزند در دین زرتشتی امر بسیار مهمی است و چون فرزندان نیروی الهی به حساب می‌آیند و باید افزایش یابند و اگر زنی نازا باشد باید او را طلاق داده و با زن دیگری ازدواج کند.

زن و شوهر باید برای طلاق به دادگاه مراجعه کنند؛ هرچند در مواردی فرد می‌تواند وکیل یا نماینده از طرف خود بفرستد (مزداپور، ۱۳۶۹: ۱۸۱). پس از اینکه طلاق جاری شد، زن حق ندارد اموالی را که شوهر در موقع عروسی به او داده نگاه دارد. اما مرد مکلف است پس از طلاق زن حقوق خاص او را، از قبیل مهر، جهاز، و عواید خاص املاک و دارایی زن، به او بدهد (علوی، ۱۳۷۷: ۹۲-۹۳).

زن پس از طلاق یا فوت شوهر می‌توانسته ازدواج مجدد انجام دهد که نیمی از فرزندان بیوه، که حاصل ازدواج مجدد زن است به شوهر متوفی تعلق دارد. زن نیز در جهان دیگر در کنار زن اول حاضر شده و همراه با اوست. در دین زرتشتی وقتی مردی بدون داشتن فرزند مذکر بمیرد، زن او را به نزدیک‌ترین خویشاوند آن مرد می‌دهند تا در صورت مرگ یا نازا بودن زن، با ازدواج مجدد، نسل بشر دوباره افزایش یافته و نیروهای الهی گسترش یابند و در صورتی که کسی از این وظیفه غفلت کند، در حقیقت انسان‌های زیادی را کشته و خود را با این کار تا ابد به بوتۀ فراموشی سپرده است.

## ۷. زنا

چنان‌که گذشت، ایرانیان باستان به امر ازدواج توجه بسیاری می‌کردند و هر عملی که باعث می‌شد این امر به درستی صورت نگیرد، کار اهریمنی بوده و گناه بزرگی محسوب می‌شد. زنا نیز که حاصل آمیزش غیرقانونی بین مرد و زن بود، در دین زرتشتی بسیار مذموم و سخت نکوهیده است. چون معتقدند بدکاری آنها موجب تزلزل خانواده و جلوگیری از گسترش نیروهای اهورایی، یعنی فرزندان، می‌شود. طبق اوستا، مرد و زن زناکار دشمن گاو، روان نیکو، زمین و جانوران هستند، یعنی چنین فردی مانع پیشرفت جهان، چه به صورت مادی و چه به صورت معنوی، می‌شود.

در دین زرتشتی آمده است که اگر پدری از انجام وظیفه خود نسبت به دخترش کوتاهی ورزید، مثلاً از روی امساک یا بیم از دست دادن او، وی را به موقع شوهر نمی‌داد، یا در این کار مجاهدتی نمی‌کرد، در این صورت دختر نمی‌توانست به میل خود، و بدون اجازه پدر، به ازدواج غیرمشروع تن در دهد. در این زمان، قانون پشتیبان دختر بوده و مانع از آن می‌شود که عملش سرانجام ناگواری برایش داشته باشد (بارتلمه، ۱۳۳۷: ۴۰).

دختری که در اثر کاهلی پدر، مرتکب عمل زنا می‌شد، اگر عمل خود را دیگر تکرار نمی‌کرد، از ارث پدر محروم نبود، ولی در صورت تکرار عمل از منزل و ارث پدر محروم می‌شد (Perikhanian, 1977: 65). همچنین اگر زنی در دین زرتشتی بدون تقصیر آبستن می‌شد، باید مردی از خاندانش برای حفظ آبروی او اقرار به پدری آن طفل می‌کرد (نقبایی، ۱۳۴۲: ۵).

در *وندیداد* آمده است که اگر کسی، زنی را اغفال کند، چه شوهر کرده باشد و چه شوهر نکرده باشد، مرد ملزم است او و فرزندان را که از این طریق به دنیا آمده‌اند تا وقتی که این فرزندان به سن بلوغ برسند، نزد خود نگه دارد و از ایشان حمایت کند. همچنین موظف است فرزندان نامشروع خود را در کنار فرزندان مشروع تربیت کند. اما فرزندان نامشروع ممکن است شیوه‌های اخلاقی خوب فرزندان مشروع را تباه کنند و اگر وی این فرزندان نامشروع را درست تربیت نکند، مسئول اعمال زشت ایشان در دوران کودکی و بلوغ خواهد بود. و همچنین هر گونه تلاش به منظور سقط جنین، گناه بزرگی برای آنها تلقی می‌شود (ترجمه *وندیداد*، ۱۹۴۸: فرگرد ۱۵، بندهای ۹-۱۹).

اگر مردی با دوشیزه‌ای زنا کرد و آن دوشیزه باردار شد و جنین را در رحم خود از بین برد، گناه این عمل، یعنی از بین بردن جنین متوجه آن دوشیزه و پدر جنین وی است. اگر مردی با زن شوهردار یا بی‌شوهر زنا کند، تا آخر بارداری باید نفقه او را بپردازد و اگر جنین نکند و فرزند آسیب ببیند یا مرده به دنیا آید، آن مرد باید جریمه بپردازد (همان: بندهای ۹-۱۲ و ۱۶).

نکته قابل توجه آن است که در دین زرتشتی این‌گونه فرزندان را «فریشتک» یا پیک خدایان می‌خوانند. یعنی برخلاف جوامع امروزی که چنین فرزندان را «حرام‌زاده» تلقی می‌کنند و هیچ جایگاهی برای آنها در نظر نمی‌گیرند، در آن دوره آنها را فرستاده خدا تلقی می‌کردند و نه تنها کسی حق نداشت آنها را از بین ببرد، بلکه حق اذیت و سرزنش آنها را نیز نداشت (پیگولوسکایا، ۱۳۳۷: ۲۶۴).

در باورهای اساطیری آمده است که مادر ضحاک نخستین زن در جهان است که مرتکب این عمل شده است و آن را گناه بسیار بزرگی می‌دانند که تمام خاندان‌ها را تباه می‌کند و اقتدار مشروع شوهر را از بین می‌برد و حتی از دزدی و غارت نیز بدتر توصیف می‌شود.

### نتیجه‌گیری

با بررسی کتب فقهی و حقوقی دین زرتشتی باید گفت که زن در آیین مزدیسنا موقعیت بسیار برجسته‌ای داشته و علاوه بر آن، شخصیت حقیقی و حقوقی نیز داشته است. نقش‌ها و نظریات تعیین‌کننده زن در امر ازدواج و مراسم آن، جهیزیه، مهریه، طلاق، امور اقتصادی، شهادت در دادگاه و غیره بیانگر جایگاه و اهمیتی است که دین زرتشتی برای زنان قائل است.

زن در هنگام ازدواج از حقوقی نسبتاً برابر با مرد برخوردار بوده، حتی در برخی موارد هم‌سنگ با مرد قلمداد شده است. رضایت زن در امر ازدواج بسیار مهم است و نقش تعیین‌کننده‌ای دارد و حتی شروطی که ضمن عقد یک زن یا والدین او می‌توانند وضع کنند و نیز ندادن جهیزیه زرتشتیان در مواقعی به دختر و بیان کردن این استدلال که خود دختر به عنوان گوهر گران‌بها است، بیانگر جایگاه زن در دین زرتشتی است. دختر در این دین می‌توانسته با مردی برخلاف میل پدرش ازدواج کند یا نکند. اهمیت

بسیار زیاد برای خانواده و منع شدید زنا و رابطه نامشروع مرد با زن به دلیل سست کردن خانواده و بی‌ثباتی در جامعه از دیگر دیدگاه‌های مهم زرتشتیان است. آنها طلاق را عملی ناشایست تلقی می‌کردند و تنها به دلایلی چون نازا بودن زن و درست انجام ندادن وظایف زناشویی، روا بود که این کار صورت گیرد.

از لحاظ جایگاه حقوقی، زنان در دین زرتشتی می‌توانستند صاحب مال و مکنت شوند و حتی پست‌های دولتی یا قضاوت‌ها را بر عهده بگیرند. آنها در مراسم دینی نیز نقش مهمی ایفا می‌کردند و می‌توانستند خود به تنهایی مراسم را انجام دهند و حتی بعد از دوران یائسگی نگهبانی آتش را عهده‌دار شوند.

با بررسی وظیفه زن در خانه و نقش تعیین‌کننده او در تربیت فرزندان می‌توان به اهمیت آنها در دین زرتشتی پی برد؛ دینی که عامل تعیین‌کننده پیش‌برد مقاصد معنوی و اخلاقی را زن می‌دانست. حتی گفته‌اند «فره خانه» نیز با زن خانه پیوند دارد و هر گاه جسد او از خانه بیرون رود فره نیز بیرون می‌رود.

همچنین زن به دلیل زایش فرزندان و نقشی که در گسترش نیروهای اهورایی بر اهریمنی و پیروزی نهایی خیر بر شر دارد، تقدس داشته و همواره مؤمن زرتشتی باید می‌کوشیده تا اسباب و لوازم ازدواج دختران با پسران را فراهم کند. نیز اگر دختری به عمد ازدواج نمی‌کرد گناه سنگین مرگ‌زنان را برای او در نظر می‌گرفتند و در جهان دیگر نیز وارد دوزخ می‌شده است.

در پایان می‌توان گفت نگرش دین زرتشتی به زن مثبت است و در اموری که مربوط به زنان است، جایگاه مهمی برای آنها در نظر گرفته، و نظر آنها در بیشتر مسائل روزانه و آداب گذر مربوط به زنان با اهمیت و تعیین‌کننده بوده است. اگرچه پس از ورود آریایی‌ها به ایران نظام پدرسالاری در ایران حکم‌فرما شد، اما این نگرش به معنای جایگاه سست زنان یا قائل نشدن شخصیت حقوقی برای آنها نیست.

### منابع

- اونولا، مانک رستم (۱۹۲۲). *روایات داراب هرمز دیار*، به کوشش: مدی، بمبئی: بی‌نا.
- آذرگشسب، اردشیر (۱۳۷۵). *مراسم مذهبی و آداب زرتشتیان*، تهران: کانون زرتشتیان شریف آباد یزد مقیم مرکز.
- آیین‌نامه احوال شخصیه زرتشتیان ایران (۱۳۸۶). تهران: اداره حقوقی قوه قضائیه.
- بارتلمه، کریستیان (۱۳۳۷). *زن در حقوق ساسانی*، ترجمه: ناصرالدین صاحب‌الزمانی، تهران: انتشارات عطایی.
- بیرونی، ابوریحان (۱۳۸۵). *آثار الباقیه*، ترجمه: اکبر داناسرشت، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- پوردادود، ابراهیم (۱۳۷۷). *یشت‌ها*، تهران: نشر اساطیر.
- پیگولوسکایا (۱۳۳۷). *شهرهای ایران در دوره پارتیان و ساسانیان*، ترجمه: عنایت‌الله رضا، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- ترجمه *وندیاد* (حصه سوم کتاب اوستا) (۱۹۴۸). ترجمه: محمدعلی داعی‌الاسلام، حیدرآباد دکن.
- چند متن پهلوی (۱۳۷۴). ترجمه: محمدتقی بهار، به کوشش: محمد گلبن، تهران: نشر سپهر.
- دامغانی، محمدتقی (۱۳۷۷). *احوال شخصیه زرتشتیان ایران*، تهران: امیرکبیر.
- رضایی، عبدالعظیم (۱۳۷۴). *اصل و نسب دین‌های ایران باستان*، تهران: ناشر: مؤلف.
- شاپور شهبازی، علیرضا (۱۳۸۱). «خوتن‌دته»، در: *سروش پیر مغان*، تهران: انتشارات ثریا، ص ۲۳۷-۲۴۷.
- علوی، هدایت (۱۳۷۷). *زن در ایران باستان*، تهران: انتشارات هیرمند.
- ماتیگان هزار دادستان (۱۳۸۶). ترجمه: رستم شهزادی، تهران: انتشارات فروهر.
- مزدپور، کنایون (۱۳۶۹). *حیات اجتماعی زن در ایران*، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- نقبائی، حسام (۱۳۴۲). *سیر تکامل حقوق زنان در تاریخ و شرایع*، تهران: چاپ بدیع.
- یسن ۵۳ (۱۳۸۲). ترجمه: محسن ابوالقاسمی، تهران: انتشارات فروهر.
- Cawasgi Katrak, Jamshid (1965). *Marriage in Ancient Iran*, Bombay.
- Darmester, James (1998). *The zend Avesta, sacred Books of the East*, F. Max Muller (ed.), Motial Banarsidass, Delhi, vol. 4.
- Dhalla, Maneckji Nusservanji, (1928). "Crimes and Punishments (Pars)", *Encyclopedia of Religion and Ethics*, James Hastings (ed.), Edinburgh.
- Gray, Louis H. (1928). "Family (Persian)", *Encyclopedia Religion and Ethics*, James Hastings (ed.), Edinburg.
- Kotwal, Firuze and Kreyenbroek, Philip G. (1992). *The Herbedestan and Nerangestan*, vol. I, Herbedestan Paris, Association poul l avansment des Etudes Iraniannes.
- Perikhanian, T. A. (1977). *The Book of a Thousand Judgements* (A sasanian law-book), Translated by Nina Gasoian, California and New York: Mazda Publishes and Bibliotheca Persica.
- Shaki, Mansour (1987). "Den", *Encyclopaedia of Iranica*, vol. VIII, pp. 279-281.

